



بررسی سبک تبیین بدینانه در رباعیات عمر خیام

ناصر فرنی^۱

استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۳

چکیده

خیام به عنوان یک شاعر و متفکر در رباعیات فلسفی خود با بدینی به تمام زوایای زندگی می‌نگرد، پارها مسئله‌ی مرگ و نابودی را مطرح کرده و با به کار بردن تشبیه و استعاره‌های گوناگون اضطراب، ترس و غیرقابل کنترل بودن رویدادهای ناخوشایند را به تصویر می‌کشد. امروزه روانشناسان معتقدند علت‌های متفاوتی برای بروز بدینی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها سبک تبیین است. سبک تبیین یک ویژگی روان‌شناختی است که نشان می‌دهد مردم چگونه رویدادهای مثبت و منفی را تجربه و برای خود توضیح می‌دهند و بر این اساس افراد می‌توانند دارای سبک تبیین خوش بینانه و بدینانه باشند. پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی سبک تبیین بدینانه در رباعیات حکیم عمر خیام، شاعر، فیلسوف و دانشمند قرن پنج هجری پردازد. طرح تحقیق از نوع توصیفی - کتابخانه‌ای است که از کتابها و مقالات مرتبط با موضوعات رباعیات خیام، نظریه‌های اسناد و سبک تبیین بدینانه استفاده کرده است. طرح تحقیق از نوع توصیفی - کتابخانه‌ای است که از کتابها و

^۱. naser.farnia@yahoo.com

مقالات مرتبط با موضوعاتی همچون خیام، نظریه های اسناد و سبک تبیین بدبینانه استفاده کرده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که خیام در مواجهه با رویدادهای زندگی بیشتر از کدام سبک تبیین استفاده کرده است؟ و آیا می توان سبک تبیین بدبینانه را از رباعیاتش استخراج کرد؟ یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که عمر خیام بیشتر نگاهی بدبینانه به وقایع زندگی داشته و رویدادهای ناخوشایند را با اسنادهای (درونی، کلی و پایدار) و رویدادهای خوشایند را با اسنادهای بیرونی، جزئی و ناپایدار توضیح می دهد. از آنجایی که سبک تبیین بدبینانه منجر به واکنش های هیجانی منفی می شود بنابراین می توان افسردگی، اضطراب، غمگینی، ناامیدی، خشمگینی، یاس و انزوا را در رباعیات خیام به خوبی حس کرد.

کلید واژه ها: سبک بدبینانه، مدل سه بعدی سبک اسناد و اینر، خیام

۱- مقدمه

پایه ی اصلی اندیشه های خیامی، تأمل در راز هستی و نیستی است و سرنوشت انسان: از کجا آمده ایم و به کجا می رویم و چرا کائنات به وجود آمده اند و چرا از بین می روند؟ پرسشی که قرن هاست فکر بشر را به خود مشغول داشته است. بدیهی است در این میان آنچه مسلم به نظر می رسد عالم وجود است، سپس سرنوشت محتمم عدم؛ مرگ. ناگزیر زندگی فرصتی کوتاه و ناپایدار است و هر چه هست بی اعتبار و فناپذیر و آدمی محکوم و مجبور. با نگاهی به رباعیات خیام می توان دریافت که اندیشه ی مرگ بر اکثر اشعار خیام سایه انداخته است و بیش از هر چیز مطرح است. حتی بازگشت فکر خیام به لزوم اغتنام فرصت زندگی نیز از رهگذر اندیشه ی مرگ است و تأسف بر نیست شدن همه ی زیبایی های حیات. طبع حساس و زیباپسند خیام از جلوه های رنگارنگ و دل انگیز زندگی؛ سبزه و باغ و گلزار و جویبار و ماهتاب و زیارویان تأثر می پذیرد؛ اما از مشاهده ی این مظاهر شور و سرزندگی، فکر فناپذیری آنها نیز به ذهنش نیش می زند که در پس این همه پویش و جوشش و نور و نشاط بی کران ظلمت مرگ خواهد بود و سکوت و سکون جاودان (یوسفی، ۱۳۷۳: ۱۱۷-۱۱۸)؛ بنابراین با توجه به مطالب فوق می توان گفت که در تمامی اندیشه ها و دریافت های خیام بدبینی و ناامیدی موج می زند و

از این رو می‌توان او را حکیم و شاعری بدبین در نظر گرفت. امروزه در علم روانشناسی نظریات متفاوتی پیرامون بدبینی و علت‌های آن مطرح شده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها سبک‌های تبیین است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود.

۱-۱- بیان مسئله و پرسش‌های پژوهش

خیام به‌عنوان یک شاعر و متفکر در رباعیات فلسفی خود با بدبینی به تمام زوایای زندگی می‌نگرد. پارها مسئله‌ی مرگ و نابودی را مطرح کرده و با به کار بردن تشبیه و استعاره‌های گوناگون اضطراب، ترس و غیرقابل کنترل بودن رویدادهای ناخوشایند را به تصویر می‌کشد. تاکنون بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی ادبیات صرفاً به موضوع بدبینی خیام پرداخته‌اند و تاکنون پژوهشی جامع بر اساس یافته‌های نوین روانشناسی با محوریت سبک تبیین بدینانه انجام نشده است؛ بنابراین پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که:

- سبک تبیین خیام در مواجهه با رویدادهای زندگی چگونه است؟

- آیا می‌توان سبک تبیین بدینانه را از رباعیات خیام استخراج کرد؟

۱-۲- اهداف پژوهش

هدف از پژوهش حاضر بررسی سبک تبیین خیام در مواجهه با رویدادهای زندگی و نیز استخراج سبک تبیین بدینانه از رباعیات او است.

۱-۳- ضرورت پژوهش

ضرورت پژوهش حاضر از این جهت است که موضوع سبک‌های تبیین از نظریات مطرح در حوزه‌ی روانشناسی بوده که به‌خوبی می‌تواند علت بدبینی یا خوش‌بینی افراد را توجیه کند. همچنین در حوزه‌ی ادبیات فارسی پژوهش‌هایی در خصوص شخصیت بدبین خیام انجام شده ولی هیچ‌کدام از آن‌ها به بررسی ریشه‌های بدبینی وی با استناد به نظریه‌ی سبک تبیین نپرداخته‌اند.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

ملاکی، افشین و حسینی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان مقایسه‌ی نظریه‌ی آینده‌ی متعالی با مرگ‌اندیشی خیام دریافتند که عمر خیام بیشتر نگاهی بدبینانه و مادی به مرگ و مقوله‌های مرگ دارد و از مفاهیمی چون خوشباشی، دم غنیمت‌شمی، پوچی مرگ استفاده می‌کند در حالیکه آینده‌ی متعالی دارای یک دید خوش‌بینانه نسبت به مرگ است و از مفاهیمی مانند خودکشی، سازندگی و توجه مثبت استفاده می‌کند.

سبزیان پور و رضایی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان عمر خیام، بدبینی باده‌خوار یا حکیمی فرزانه نشان دادند که در فلسفه خیامی توجه بسیار به مرگ، بدبینی، فناى موجودات، آمیختگی غم و شادی و توصیه به شاد خواری و استفاده از فرصت‌ها شده است. غلبه‌ی باده‌نوشی، خوشباشی و اعتنای فرصت در رباعیات خیام موجب شده است که حکمت‌های این شاعر ایرانی از دید محققان پنهان ماند همان چیزی که موجب شده است به این سخنگوی نامی لقب حکیم داده شود.

مجیدی، سلامت و ستاری (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تطبیقی دیدگاه عمر خیام و ابوالعلاء معری پیرامون زندگی، مرگ و معاد دریافتند که این دو نویسنده در بسیاری از زمینه‌ها از قبیل: اعتقاد به ناپایداری دنیا و زندگی انسان، معاد و تردید در آن، شک و بدبینی و اعتقاد به جبر و سرنوشت همفکر و همسو هستند. چنین اندیشه‌هایی سبب شد هر دو نویسنده به کفر و زندیق بودن متهم شوند.

مسبوق، نظری منظم و فرزبود (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان خوشباشی و دم غنیمت‌شمی در اندیشه‌های خیام نیشابوری و طرفه بن عبد بیان می‌کنند که حکیم عمر خیام از جمله اندیشمندانی است که معمای مرگ و زندگی او را به تفکر در جهان هستی واداشته و همین راز سربه‌مهر گاه او را به بدبینی و شک و تردید کشانده و برای بهره‌مندی بیشتر از زندگی زودگذر به خوشباشی و دم غنیمت‌شمی دعوت می‌کند. طرفه بن عبد شاعر بنام دوره جاهلی در ادب عربی نیز زندگی زودگذر دنیا و دعوت به اعتنای فرصت‌ها و کام‌جویی از هر آنچه در دنیا هست، موضوع اصلی اشعارش است. اشعاری که به رباعیات خیام شبیه است؛ با این

تفاوت که طرفه از معنای حقیقی زندگی بازمانده و مرگ را پایان حیات آدمی می‌داند و با این رویکرد، انسان‌ها را به بهره‌مندی از تمتعات دنیوی فرامی‌خواند.

امینی لاری و میر قادری (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تطبیقی افکار و عقاید ابوالعلا و خیام دریافتند که یکی از اشتراکات دو شاعر پرداختن به مسئله‌ی شک و بدبینی است و اینکه حقایق امور از ادراک بشر پوشیده است. آنان خود و دیگران را از حقیقت بی‌خبر می‌دانند و می‌گویند معنای هستی ناگشودنی است. انسان چیزی از حقیقت نمی‌داند، گمان بردن نشانه‌ی جهل است زیرا او امر خدا از مغیبات است.

خاتمی (۱۳۸۱) در پژوهشی تحت عنوان تردید یا انکار؟ به بررسی اجمالی اندیشه‌های کلامی خیام بر اساس رباعیاتش پرداخت و دریافت که مهم‌ترین موضوعات به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: مسئله‌ی مرگ (۶۲ رباعی)، عشرت طلبی و می‌گساری (۵۹ رباعی)، بدبینی درباره‌ی خلقت (۴۷ رباعی)، فرصت طلبی و اغتنام وقت (۳۴ رباعی)، بی‌اعتنایی یا اعتراض به مسائل شرعی (۳۴ رباعی)، خردورزی (۲۱ رباعی)، حیرت (۲۱ رباعی)، شک و تردید (۱۸ رباعی)، قضا و قدر (۱۷ رباعی)، نگرانی از گذشت عمر (۱۶ رباعی)، پیچیدگی خلقت (۱۵ رباعی)، حسرت و افسوس (۱۴ رباعی)، اعتراض به مشرعین ریاکار (۸ رباعی)، خودمحوری و انسان‌مداری (۶ رباعی). با توجه به تحلیل رباعیات خیام می‌توان گفت مسئله‌ی مرگ و بدبینی درباره‌ی خلقت و آفرینش عالم و آدم در اندیشه‌ها و کلام خیام موج می‌زند. خیام در رباعیات خود گاه گاه لب به اعتراض گشوده و حتی نظام خلقت را دشنام داده است.

۳- روش پژوهش

این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی به بررسی سبک تبیین خیام و نیز استخراج سبک تبیین بدبینانه از رباعیات او می‌پردازد؛ بنابراین روش انجام این تحقیق بدین گونه است که پس از توضیح موضوعاتی همچون بدبینی، ویژگی‌های افراد بدبین، مدل سه‌بعدی سبک اسناد واینر و سبک تبیین بدبینانه به تحلیل رباعیات خیام پرداخته و در نهایت سبک تبیین بدبینانه را شناسایی و استخراج می‌کند.

۴- مبانی نظری

۴-۱- تعریف سبک‌های تبیین

سبک تبیین (attributional style) بر آن است تا توضیح دهد که چگونه آدمی تلاش می‌ورزد تا علت‌های رخ دادن رفتارهای آشکار فردی را بر پایه‌ی عوامل درونی یا بیرونی برای خود یا دیگران بازشناسد. سبک تبیین فرایندی است که افراد از طریق آن در پی کسب اطلاعات درباره‌ی فهم چرایی رفتار برمی‌آیند. درواقع سبک تبیین به کوشش انسان‌ها در دریافتن چرایی رفتار خود و نیز رفتار دیگران اشاره دارد (Hu & Zhang, ۲۰۱۵). این نظریه رفتار انسان را ترکیبی از نیروهای خارجی (مانند بخت، شانس و محیط) و نیروهای درونی (مانند توانایی، کوشش و دانش) می‌داند. عوامل واقعی رفتار به‌اندازه‌ی عوامل ادراک‌شده دارای اهمیت نیستند، آنچه آدمی هنگام مشاهده‌ی رفتار در ذهن می‌پروراند و نسبت دادن رفتار به علل درونی یا بیرونی است که بسیار مهم است (Sanjuán; Arranz & Castro, ۲۰۱۲).

۴-۲- نظریه‌های اسناد (attributional theory)

مطالعات پیرامون سبک‌های اسنادی از سال ۱۹۵۸ با تحقیقات هایدر (Hyder) آغاز گردید. پس از هایدر به ترتیب جونز و دیویس (Jones & Davis, ۱۹۶۵)، جرج کلی (George Kelly, ۱۹۷۲)، شیور (Sheever, ۱۹۷۵) و واینر (Weiner, ۱۹۸۶)، نظریه‌های خود را پیرامون اسناد بیان کردند.

به نظر هایدر مردم می‌کوشند رفتار دیگران را مانند روان‌شناسان دریابند و بر این پایه رفتارهای آن‌ها را یا پیامد عوامل موقعیتی می‌انگارند (اسناد موقعیتی) یا آن‌ها را به عوامل درونی و شخصیتی آن‌ها نسبت می‌دهند (اسناد شخصی).

جونز و دیویس نظریه‌ی استنباط همسو را مطرح کردند که بر طبق آن، پیامد رفتار را شالوده‌ی سبک اسناد می‌دانند و معتقدند که مردم اصولاً از روی رفتار استنباط می‌کنند.

نظریه‌ی تغییر همگام به‌وسیله‌ی هارولد کلی ارائه‌شده است. او برای هر رفتار سه بعد در نظر گرفته و اسناد را بر پایه‌ی این سه بعد انجام می‌دهد. بعد یک هم‌رایی، یعنی آیا همه در آن موقعیت همان رفتار را داشته‌اند؟ بعد دو تمایز، یعنی آیا در بیشتر موقعیت‌ها رفتار فرد همین‌گونه است؟ بعد سه پایایی یا ثبات، یعنی آیا فرد همیشه در چنین موقعیتی همین رفتار را داشته یا فقط همین یک‌بار چنین رفتاری از او سرزده است؟ چنانچه هم‌رایی و تمایز پایین و پایایی بالا باشد احتمال اسناد گرایش (به درون) بیشتر می‌شود.

نظریه‌ی اسناد آمیخته که توسط شیور مطرح شد بر سه انگاره و فرض درباره‌ی سرشت انسان استوار است: نخست اینکه رفتارها به گونه تصادفی رخ نمی‌دهند و پیش‌بینی‌پذیر هستند. دو اینکه مردم گرایش به دریافت (درک)، باز نمود (تبیین) و پیش‌بینی رفتار دیگران دارند و سه اینکه رفتارهای مشاهده‌شده‌ی افراد، اطلاعات گویایی را درباره‌ی علل زیربنایی رفتار به دست می‌دهند (Hewett, Shantz, Mundy & Alfes, ۲۰۱۵)

یکی دیگر از نظریات مطرح در زمینه‌ی سبک‌های اسناد، مدل سه‌بعدی واینر است که با توجه به اهمیت آن، در ادامه بیشتر به توضیح آن پرداخته می‌شود. طبق نظریه‌ی سه‌بعدی واینر، مردم می‌توانند بازده‌های رفتاری را علاوه بر عوامل درونی (شخصی) یا بیرونی (موقعیتی) به عواملی مانند پایداری یا ناپایداری و قابل کنترل یا غیرقابل کنترل بودن موقعیت نسبت دهند. از ترکیب این سه بعد، هشت نوع اسناد مختلف شکل می‌گیرد. طبقه‌بندی واینر، علاوه بر نقش واسطه‌ای مهمی که از جنبه شناختی دارد و فرد را در تصمیم‌گیری برای پیامدهای اسناد علی‌یاری می‌رساند، واکنش‌های هیجانی و احساسات متفاوتی را که به تبع اسنادهای علی‌گوناگون به وجود می‌آیند نیز توجیه می‌کند. واینر نشان داده است که نوع اسناد افراد از عملکرد خود، می‌تواند پیامدهای انگیزشی و هیجانی متفاوتی به همراه داشته باشد (Higgins & Zumbo, ۲۰۱۹)

اولین بعد در این نظریه، درونی یا بیرونی بودن یک اسناد است که عواطف وابسته به عزت نفس را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هنگامی که شخص در کار یا امتحانش موفق شود، اسنادهای

درونی (توانایی یا کوشش) باعث احساس غرور می‌شود؛ درحالی‌که اسنادهای بیرونی (سادگی امتحان، کمک هم‌کلاسی) فقط ممکن است احساس خوشحالی به دنبال داشته باشد. اگر ناکامی با علت‌های درونی توجیه شود (کمی کوشش، توانایی پایین)، ثمره‌اش شرمساری خواهد بود؛ اما اگر به علت‌های بیرونی اسناد داده شود (سختی امتحان)، ممکن است باعث غافلگیری یا عصبانیت بشود (خیاط ناصری، ۱۳۹۹: ۹۴).

دومین بعد به قابلیت کنترل علت‌های ادراک‌شده توجه می‌کند که باعث برانگیختن عواطف اجتماعی افراد می‌شود. اسناد درونی قابل کنترل مانند کوشش برای کسی که کوتاهی کرده و با ناکامی مواجه شده، احساس تقصیر یا گناه را به دنبال می‌آورد؛ درحالی‌که علت‌های غیرقابل کنترل مانند ناتوانی، کمی هوش و استعداد یا ویژگی‌های شخصیتی دیگر، افسردگی را موجب می‌شود (همان: ۹۵).

سومین بعد در نظریه واینر، پایداری یا ناپایداری عوامل است که انتظارات آینده را تعیین می‌کند. علت‌های ناپایداری مانند عدم توجه در موقع امتحان در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف، نوسان می‌یابند؛ اما علت‌های پایداری مانند مشکل بودن درس نسبتاً کمتر تغییر می‌کنند. علت‌های پایداری ممکن است افسردگی ناشی از احساس درماندگی را به دنبال داشته باشد، درحالی‌که علت‌های ناپایدار احساس تقصیر و عزم برای جبران در آینده را در پی دارد (همان: ۹۶).

۳-۴- درماندگی آموخته‌شده و ارتباط آن با سبک تبیین بدبینانه و خوش‌بینانه
یکی از مهم‌ترین موضوعات بر خواسته از نظریه‌های اسناد، درماندگی آموخته‌شده (learned helplessness) است که توسط مارتین سلیگمن (Martin Seligman) مطرح شد. درماندگی آموخته‌شده وضعیتی است که در آن افراد به این بینش می‌رسند که کنترلی بر موقعیت‌های پیش‌آمده نداشته و برای تغییر شرایط هیچ کاری نمی‌توانند انجام دهند. سلیگمن معتقد است که صرفاً فقدان کنترل تحت شرایط درماندگی آموخته‌شده، بر سلامتی افراد تاثیر نمی‌گذارد. این نیز اهمیت دارد که افراد چگونه این فقدان کنترل را برای خودشان توجیه می-

کنند. او برای توجیه کردن این عامل، از مفهوم سبک تبیین (explanatory style) استفاده نموده و دو سبک تبیین خوش بینانه

(optimistic explanatory style) و بدبینانه (pessimistic explanation)

(style) را مطرح می کند. سبک تبیین خوش بینانه از درماندگی جلوگیری می کند در حالی که

سبک تبیین بدبینانه درماندگی را به تمام جنبه های زندگی گسترش می دهد. خوش بین ها افرادی هستند که انتظار دارند اتفاقات خوب برای آن ها روی دهند در حالی که بدبین ها آدم-

هایی هستند که انتظار دارند اتفاقات بدی برای آن ها روی دهند (Kleiman, Chiara,

Liu, Jager-Hyman, Choi & Alloy, ۲۰۱۷)

به طور کلی واکنش افراد در برخورد با مشکلات و مسائل زندگی متفاوت است. برخی با

افزایش دادن تلاش و سعی بیشتر، به این ناکامی ها واکنش نشان می دهند، برخی دیگر با ناامید

شدن و دست کشیدن از تلاش. اصولاً سبک تبیین بدبینانه افراد را در مواقع شکست و

بدیاری ها نسبت به واکنش دو، یعنی ناامید شدن آماده کرده و آن ها معمولاً به صورت

منفعلا نه و تقدیرگرایانه پاسخ می دهند که به کاهش تلاش منجر می شود. سبک تبیین بدبینانه

به صورت گرایش به توجیه کردن رویدادهای ناگوار با انتساب های درونی، پایدار و

غیرقابل کنترل آشکار می شود. پژوهش ها نشان داده است که سبک تبیین بدبینانه با ناکامی،

پریشانی اجتماعی، بیماری جسمی، عملکرد شغلی ضعیف، خودکشی و افسردگی ارتباط دارد

(یوسفی، ۱۳۹۳: ۶۰).

سبک تبیین خوش بینانه به صورت گرایش به توجیه کردن رویدادهای ناگوار با انتساب های

بیرونی، ناپایدار و قابل کنترل اشاره دارد. افراد با سبک تبیین خوش بینانه برای موفقیت های

خود امتیاز زیادی قائل می شوند ولی شکست های خود را قبول نمی کنند یا خود را به خاطر

آن ها سرزنش نمی کنند. نسبت دادن شکست به علت بیرونی به فرد امکان می دهد که معنی

شکست مربوط به خود را نادیده بگیرد. به همین صورت، پیامدهای منفی زندگی به گردن

دیگران، بدشانسی و محیط در کل انداخته می شود؛ بنابراین برون فکنی شکست از فرد در برابر

هرگونه تاثیر زیان بار شکست محافظت می کند. به مرور زمان، تاریخچه‌ی درون فکنی موفقیت - ها و برون فکنی شکست ها عقیده‌ی راسخی را پرورش می دهد مبنی بر اینکه فرد بیشتر از آنچه واقعاً هست بر سرنوشت خودش کنترل دارد (همان: ۶۳).

۵- بحث اصلی

۵-۱- تحلیل رباعیات خیام بر اساس سبک تبیین بدینانه

همان طور که قبلاً هم اشاره شد سایه‌ی مرگ، ناامیدی، یاس و بدبینی بر رباعیات خیام سایه افکنده است؛ بنابراین در این بخش از پژوهش به بررسی سبک تبیین بدینانه خیام پرداخته می شود.

از آمدن و رفتن ما سودی کو
چندین سر و پای نازنینان جهان
وز تار امید عمر ما پودی کو
می سوزد و خاک می شود دودی کو
(رشیدی ۱۳۷۲: ص ۱۵ رباعی ۳۲)

در رباعی مذکور خیام حضور خود را در این جهان پوچ انگاشته و باور دارد که با مرگ همه چیز پایان یافته و نشانی از هیچ کس باقی نمی ماند. بر اساس مدل سه بعدی واینر خیام با ابراز ناتوانی خود در برابر مرگ، گستره‌ی مرگ برای همگان و بر تمام لحظات زندگی و در نظر گرفتن مرگ به عنوان حقیقتی غیر قابل تغییر و کنترل به ترتیب از اسناد درونی، کلی و پایدار استفاده نموده است.

ای چرخ دلم همیشه غمناک کنی
پیراهن خرمی من چاک کنی
بادی که بمن وزد تو آتش کنیش
آبی که خورم در دهنم خاک کنی
(همان: ص ۱۶ رباعی ۳۷)

در رباعی مذکور خیام از سرنوشت و چرخ فلک شکوائیه کرده چرا که در چشم به هم زدنی خوشی های زندگی را از او گرفته و به کامش تلخ می کند. حافظ نیز همین مضمون را به زبان دیگری بیان می کند:

بیا که قصر امل سخت سست بنیادست
بیار جام باده که بنیاد عمر بر بادست

(خطیب مهر: ۱۳۷۰، ص ۵۰)

بنابراین خیام نیز به عنوان شاعری بدبین خوشی‌ها و رویدادهای مثبت زندگی را به عوامل بیرونی، جزئی و ناپایدار نسبت می‌دهد.

از آوردن من نبود گردون را سود وز بردن من جاه و جلالش نفزود
از هیچ کسی نیز دو گوشم نشنود کاوردن و بردن من از بهر چه بود

(همان: ص ۱۶ رباعی ۳۸)

افسوس که بی‌فایده فرسوده شدیم، وز داس سپهر سرنگون سوده شدیم؛
دردا و ندامتا که تا چشم زدیم، نابوده به کام خویش، نابوده شدیم!

(همان: ص ۲۲ رباعی ۶۵)

خیام در این رباعی‌ها اظهار می‌کند که حضورش در این جهان بی‌فایده بوده و حتی با رفتن وی نیز چیزی تغییر نخواهد کرد؛ بنابراین می‌توان گفت که خیام در این رباعی‌ها از اسناد پایدار استفاده کرده است.

افلاک که جز غم نفزایند دگر ننهند بجا تا نرایند دگر
ناآمدگان اگر بدانند که ما از دهر چه می‌کشیم نایند دگر

(همان: ص ۱۶ رباعی ۳۹)

خیام در رباعی مذکور بایان اینکه غم‌ها و ناکامی‌ها در همهی لحظات زندگی جاریست و آدمی مجبور به قبول و پذیرش سرنوشت خود و ناتوان از تغییر آن است، از اسناد درونی، کلی و پایدار استفاده می‌کند.

چون کار نه بر مراد ما خواهد بود اندیشه و جهد ما کجا دارد سود
پیوسته نشسته‌ایم در حسرت آنک دیر آمده‌ایم و رفت می‌باید زود

(همان: ص ۱۸ رباعی ۴۸)

خیام در این رباعی بیان می‌کند که در زندگی هیچ چیزی بر وفق مرادش نبوده و حتی جهد و تلاشش برای تغییر شرایط بی‌ثمر بوده و آدمی با حسرت نرسیدن به آرزوهایش از این دنیا خواهد رفت؛ بنابراین می‌توان گفت که خیام از اسناد کلی و پایدار استفاده کرده است.

این چرخ جفایه‌ی، عالی بنیاد هرگز گره‌بسته‌ی کسی را نگشاد
هرجا که یکی دید که داغی دارد داغ دگرش، بر سر آن داغ نهاد

(همان: ص ۲۰ رباعی ۵۵)

خیام در این رباعی بیان می‌کند که چرخ زمانه نه تنها هرگز گره از کار هیچ کس نمی‌گشاید بلکه همواره بر آنست که درد و اندوه آدمیان را شدت بخشیده و او را بیشتر در انزوا فروبرد و باباطاهر نیز همین مضمون را در دوبیتی زیر به زیبایی ذکر کرده است:

فلک در قصد آزارم چرائی گلم گر نیستی خارم چرائی
ته که باری ز دوشم برنداری میان بار، سر بارم چرائی

(الهی قمشه‌ای: ۱۳۶۷، ص ۵۱).

بنابراین می‌توان گفت در اینجا خیام از اسناد درونی، کلی و پایدار استفاده کرده است.

ای چرخ ز گردش تو خرسند پنج دهم آزاد کنم که لایق بند پنج دهم

گر میل تو با بی‌خرد و نااهل است من نیز چنان اهل و خردمند پنج دهم

(همان: ص ۲۳ رباعی ۶۷)

یک روز ز بند عالم آزاد پنج دهم یک دم زدن از وجود خود شاد پنج دهم

شاگردی روزگار کردم بسیار در کار جهان هنوز استاد پنج دهم

(همان: ص ۱۱۱ رباعی ۴۳۶)

خیام در رباعی‌های مذکور از چرخ گردون ابراز ناخرسندی کرده و خود را شایسته‌ی بند و زنجیری که همیشه با اوست نمی‌بیند. در اینجا خیام از اسناد درونی، کلی و پایدار استفاده کرده است.

چون حاصل آدمی درین خارستان جز خوردن غصه نیست یا کندن جان

خرم دل آن ک زین جهان زود برفت آسوده کسی که خود نیامد به جهان

(همان: ص ۴۷ رباعی ۱۷۴)

خیام در این رباعی سرنوشت غایی انسان را در غصه خوردن و جان کندن می بیند و به حال کسانی که مرگ خیلی زود آن‌ها را به کام خود فروبرده یا کسانی که هیچ گاه به دنیا نیامده‌اند رشک می‌ورزد. خیام باین این واژه‌ها درماندگی خود در تغییر سرنوشت و غیرقابل تغییر بودن اتفاقات را بازگو می‌کند.

با ما فلک ار جنگ ندارد عجب است
ور بر سر ما سنگ نبارد عجب است
قاضی که خرید باده و وقف فروخت
در مدرسه گر بنگ نیازد عجب است

(همان: ص ۷۰ رباعی ۲۶۴)

خیام در این رباعی قصد دارد بگوید که همیشه در زندگی‌اش آمادگی وقوع اتفاقات ناخوشایند را داشته و این مسئله را به صورت یک اصل ثابت و غیرقابل تغییر در زندگی‌اش پذیرفته است و اگر روزی مسئله‌ای خلاف این اصل اتفاق بیفتد، او به هیچ وجه تعجب نخواهد کرد؛ بنابراین خیام از اسناد درونی، کلی و پایدار استفاده کرده است.

هرگز نه جهان کهنه نو خواهد شد
نه کار کسی به کام او خواهد شد
ای ساقی اگر باده دهی ورندهی
ناچار سر همه فرو خواهد شد

(همان: ص ۱۰۰ رباعی ۳۸۸)

خیام در رباعی مذکور قصد دارد بگوید هیچ چیز در این زندگی قابل تغییر نبوده و هرگز خوشی و نشاط جایگزین رنج و ملال نخواهد شد. آدمی چه تلاش کند و چه نکند، در نهایت مرگ همه چیز را گرفته و پیروز میدان خواهد شد. شاعر در اینجا می‌خواهد بگوید که مسیر زندگی دایره‌ای است و ما تصور می‌کنیم که در مسیری راست قدم می‌نهییم و هر چه که بیشتر پیش روی می‌کنیم به سر جای اولمان برمی‌گردیم؛ بنابراین می‌توان گفت در این رباعی خیام از اسناد کلی و پایدار استفاده کرده است.

دریاب که از روح جدا خواهی رفت
در پرده اسرار فنا خواهی رفت

می نوش ندانی از کجا آمده‌ای خوش باش ندانی که کجا خواهی رفت

(همان: ص ۸۲ رباعی ۳۱۵)

در این رباعی خیام قصد دارد اغتنام فرصت و کوتاهی زندگی را گوشزد کند. او باینکه نمی‌داند چه سرنوشتی در انتظار انسان است به همگان توصیه کرده که قدر لحظات خوش زندگی که کوتاه، گذرا و ناپایدارند را بدانید. مولوی نیز این مضمون را به زیبایی بیان می‌کند:

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم
یا چه بوده ست مراد وی از این ساختم مانده‌ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا
(شفیعی کدکنی: ۱۳۸۷، جلد ۲ ص ۱۳۶۸).

طاس فلک از عیش دلارای تهیست آسوده ندانم که در این عالم کیست
ایمن نفسی ز مرگ می‌توان زیست پس فایده زین حیات بی‌فایده چیست
(همان: ص ۱۲۵ رباعی ۴۹۰)

خیام در این رباعی می‌خواهد بگوید در عالم هستی هیچ‌کسی پیدا نمی‌شود که از گزند مرگ به دور باشد. پس حال که آدمی محکوم به نیستی است پس حیات و زندگی وی هیچ فایده و سودی نخواهد داشت. در این رباعی خیام از اسناد پایدار و منفی استفاده کرده است.

کس مشکل اسرار ازل را نگشاد کس یک‌قدم از نهاد بیرون نهاد
چون بنگری از مبتدی و از استاد عجز است به دست هر که از مادرزاد
(همان: ص ۱۴۰ رباعی ۵۵۰)

در این رباعی خیام آدمی را موجودی درمانده دانسته که درماندگی‌اش از لحظه‌ی تولد تا مرگ همراه او بوده و هیچ‌گاه قادر به رمزگشایی از اسرار هستی نخواهد بود. در اینجا خیام از اسناد پایدار استفاده کرده است.

یارب تو گلم سرشته‌ای، من چه کنم؟ پشم و قصبم تو رشته‌ای، من چه کنم؟

هر نیک و بدی که آید از من بوجود خود بر سر من نوشته‌ای، من چه کنم؟

(همان: ص ۱۳ رباعی ۳۱)

در این رباعی خیام تصویری جبرگرایانه از خلقت انسان را نشان داده که هیچ‌گونه اراده و اختیاری در انجام امور نیک و بد خود ندارد. خیام با توصیف این بینش جبرگرایانه از اسناد درونی، کلی، پایدار و منفی استفاده کرده است.

ای دوست غم جهان به بیهوده مخور بیهوده غم جهان فرسوده مخور
چون بوده گذشت و نیست نابوده پدید خوش باش و غم بوده و نابوده مخور

(همان: ص ۳۳ رباعی ۱۱۵)

در این رباعی خیام گذر عمر را بسیار کوتاه دانسته و توصیه می‌کند از آنجایی که خوشی‌های زندگی کوتاه و زودگذرند بنابراین هیچ‌گاه عمر خود را با غصه خوردن بیهوده هدر ندهید. خیام در این رباعی رویدادهای خوب زندگی را بر پایه‌ی اسناد جزئی، بیرونی و ناپایدار تفسیر می‌کند.

۶- نتیجه‌گیری

با تفحص در رباعی‌های خیام می‌توان دریافت که زندگی در نظر او، زودگذر و یک امر اتفاقی است، خواب و خیالی بیش نیست. گاهی آن را به فانوس خیال تشبیه می‌کند! خورشید چراغ دان و عالم فانوس.

این چرخ فلک که ما در او حیرانیم فانوس خیال از او مثالی دانیم
خورشید چراغ دان و عالم فانوس ما چون صوریم کاندراو حیرانیم
و گاهی موجودات را مهره‌های شطرنج یا عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی می‌بیند که با دست نامرئی به حرکت درآمده‌اند

ما لعبت‌کانیم و فلک لعبت‌باز از روی حقیقتی نه از روی مجاز
بازیچه همی کنیم بر نطع وجود افتیم به صندوق عدم یک‌یک باز

با استناد به مضامین رباعیات خیام می‌توان گفت که او شاعر و فیلسوفی بدبین است که همواره در رباعیاتش بر ناپایداری زندگی، تلاش برای خندیدن به ماهیت زودگذر روابط و تلاش جهت پذیرش مرگ به عنوان یک واقعیت، اشاره دارد.

دیدگاه‌های متفاوت فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناسی راجع به علل بدبینی خیام در بین صاحب‌نظران و پژوهشگران وجود دارد برخی از صاحب‌نظران، خیام را دنباله‌روی فلاسفه‌ی یونان همچون هراکلیت، آمپدوکلس، افلاطون، دموکریت، اپیکور می‌دانند.

خیام به عنوان یک متفکر اجتماعی، مسائل اجتماعی را باظرافت تمام در رباعیاتش می‌آورد و از این رهگذر، خیام در ردیف جامعه‌شناس بزرگی چون امیل دورکیم قرار می‌گیرد.

اما با وجود دیدگاه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی راجع به رباعیات خیام می‌توان از منظر علم روانشناسی نیز به مسئله‌ی بدبینی او نگریسته و علل بدبینی او را با استناد به نظریه‌ی سبک تبیین توضیح داد. همان‌طور که تحلیل رباعیات نشان داد، خیام دارای سبک تبیین بدبینانه است و علت رویدادهای ناخوشایند هستی را به اسنادهای (درونی، کلی و پایدار) و علت رویدادهای خوشایند را به اسنادهای (بیرونی، جزئی و ناپایدار) ربط می‌دهد. همچنین از آنجایی که سبک تبیین منجر به واکنش‌های عاطفی و هیجانی می‌شود بنابراین می‌توان افسردگی، اضطراب، غمگینی، ناامیدی، خشمگینی، یاس و انزوا را در رباعیات خیام به‌خوبی حس کرد.

منابع و مآخذ

- الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۶۷). *دوبیتی‌های باباطاهر عریان*، تهران: نشر فروغ: چاپ یک.
- امینی لاری، لیلا، میر قادری، سید فضل‌الله. (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی افکار و عقاید ابوالعلاء و خیام» *مجله‌ی بوستان ادب دانشگاه شیراز*، ۱(۵۵)، ۳۳-۱۵.
- خاتمی، احمد. (۱۳۸۱). «تردید یا انکار؟ (بررسی اجمالی اندیشه‌های کلامی خیام بر اساس رباعیات)» *پژوهشنامه‌ی علوم انسانی*، ۳۳، ۲۳۲-۲۰۷.
- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۷۰). *دیوان غزلیات حافظ*، تهران: انتشارات صافی علیشاه، چاپ هشت.

- خیاط ناصری، نسیم (۱۳۹۹). «اثر بخشی آموزش مدیریت انگیزش بر منبع کنترل و سبک های اسنادی دانش آموزان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روانشناسی، دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی. دشتی، علی. (۱۳۸۹). *دمی با خیام*، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ سه.
- رشیدی تبریزی، یار احمد بن حسین. (۱۳۷۲). *رباعیات خیام (طرب خانه)*، تهران: چاپخانه‌ی ستاره‌ی قم، چاپ سه.
- سبزیان پور، حمید، رضایی، صدیقه. (۱۳۹۷). «عمر خیام، بدبینی باده‌خوار یا حکیمی فرزانه». *فصلنامه کارنامه متون ادبی دوره عراقی*، دوره ۲ (۳): ۲۰-۱.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *غزلیات شمس تبریزی*، تهران: انتشارات سخن، چاپ چهار دوره‌ی ۲ جلدی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۳). *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: انتشارات فردوسی، دوره ۸ جلدی، چاپ ۱۳.
- فرزانه، محسن. (۲۵۳۶). *نقد و بررسی رباعیات عمر خیام*، تهران: انتشارات کتابخانه‌ی فروردین. چاپ یک.
- کرمی، شجاع. (۱۳۹۷). «تدوین برنامه‌ی آموزشی سبک اسناد و اثربخشی آن بر سلامت روان و درماندگی آموخته‌شده در دختران نوجوان با آسیب بینایی». رساله‌ی روانشناسی مقطع دکتری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- مجیدی، حسن، سلامت، عیسی، ستاری، الهه. (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی دیدگاه عمر خیام و ابوالعلاء معری پیرامون زندگی، مرگ و معاد» *پژوهش‌های تطبیقی زبان و ادبیات ملل*، ۴ (۱۲): ۲۶-۹.
- مسبوق، سید مهدی، نظری منظم، هادی، فرزبود، حدیثه. (۱۳۹۱). «خوشباشی و دم غنیمت شماری در اندیشه‌های خیام نیشابوری و طرفه بن عبد» *متن‌شناسی ادب فارسی*، سال ۴، ۱ (۱۳): ۱۶۲-۱۴۷.
- ملاکی، زهره، افشین، سید علی، حسینی، فریده سادات. (۱۳۹۹). «مقایسه‌ی نظریه‌ی آینده‌ی متعالی با مرگ‌اندیشی خیام». *پژوهشنامه‌ی ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ۱۸ (۳۵): ۲۴۴-۲۲۷.
- یلمه‌ها، احمدرضا، سلیمی، یاسین. (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی جایگاه اندیشه‌های اجتماعی خیام نیشابوری در جامعه‌شناسی (و شباهت او با امیل دورکیم)». *گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران*.
- یوسفی، سمیه. (۱۳۹۳). «رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک تبیینی (خوش‌بینی - بدبینی) با سرسختی روان‌شناختی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج).
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۳). *چشمه‌ی روشن، دیداری با شاعران*، تهران: انتشارات علمی، چاپ پنج.

- Hewett R, Shantz A, Mundy J & Alfes K. (۲۰۱۸). « Attribution theories in Human Resource Management research: a review and research agenda». *The International Journal of Human Resource Management*, ۲۹(۱), ۸۷-126.
- Higgins N & Zumbo B. (۲۰۱۹). «An Individual Differences Measure of Attributions Affecting Helping Behavior». *North American Journal of Psychology*, ۲۱(۱), ۵۷-80.
- Hu T & Zhang D. (۲۰۱۵). «The Relationship Between Attributional Style for Negative Outcomes and Depression». *A Meta-Analysis Article in Journal of Social and Clinical Psychology*, ۳۴(۴), ۳۰۴-321.
- Kleiman E.M, Chiara A.M, Liu R, Jager-Hyman Sh, Choi J & Alloy L.(۲۰۱۷). « Optimism and well-being: A prospective multi-method and multi-dimensional examination of optimism as a resilience factor following the occurrence of stressful life events». *Cogn Emot*, ۳۱(۲), ۲۶۹-۲۸۳.
- ۲۳-Kogut E.(۲۰۱۶). «Adult attachment styles, self-efficacy, and causal attributional style for achievement-related failures». *Learning and Individual Differences*, ۲۰, ۶۴-72.
- ۲۴- Maiti A.(۲۰۱۷). «Out out brief candle! : The fragility of life and the theme of morality and melancholia in Omar Khyam's rubaiyat». *International journal of English language literature in humanities*, Volume V, Issue VIII, ۴۸۴- ۵۱۶.
- ۲۵- Sanjuán P, Arranz H & Castro A. (۲۰۱۲). «Pessimistic attributions and coping strategies as predictors of depressive symptoms in people with coronary heart disease». *Journal of Health Psychology*, ۱۷, ۸۸۶-۸۹۵.

References

- 1- Elahi Ghomshei, M. (1988). «Baba Tahir Oryan's Couplets», Tehran: *Forough Publications*: First Edition.
- 2- Amini Lari, L. & Mir Ghaderi, S. F. (2009). «Comparative study of the thoughts and beliefs of Abu al-'Ala and Khayyam», *Journal of Bustan Adab, Shiraz University*, 1 (55), 15-33.
- 3- Khatami, A. (2002). «Doubt or denial? (Overview of Khayyam's theological ideas based on quatrains)», *Journal of Humanities*, 33, 207-232.

- 4- Khatib Rahbar, Kh. (1991). «Divan Ghazaliyat Hafez», Tehran: *Safi Alisha Publications*, Eighth Edition.
- 5- Khayat Naseri, N. (2020). «Effectiveness of teaching motivation management on students' source of control and attribution styles», *M.A. Thesis in Psychology*, Payame Noor University, East Azerbaijan Province.
- 6- Dashti, A. (2010). «Moments with Khayyam», Tehran: *Asatir Publications*, Third Edition.
- 7- Rashidi Tabrizi, Y. (1993). «The Rubaiyat by Khayyam (Tarbakhaneh)», Tehran: *Setare-ye Qom Printing House*, Third Edition.
- 8- Sabzianpour, H. & Rezaei, S. (2018). «Omar Khayyam, the pessimism of the wine drinker or the wise sage». *Journal of the Workbook of Literary Texts in Iraqi Career*, Volume 2 (3): 1-20.
- 9- Shafiee Kadkani, M. (2008). «Shams Tabrizi's Ghazals», Tehran: *Sokhan Publications*, Fourth Edition of 2 Volumes.
- 10- Safa, Z. (1994). «History of Iranian Literature», Tehran: *Ferdowsi Publications*, 8 Volumes, 13th Edition.
- 11- Farzaneh, M. (2536). «Critique and Analysis of the Rubaiyat by Omar Khayyam», Tehran: *Ketabkhaney-e Farvardin Publications*, First Edition.
- 12- Karami, SH. (2018). «Development of an attribution style educational program and its effectiveness on mental health and learned helplessness in adolescent girls with visual impairment». *Ph.D. Thesis in Psychology*, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran.
- 13- Majidi, H., Salamat, I., & Sattari, E. (2018). «A Comparative Study of Omar Khayyam and Abu al-'Ala Ma'ari's Perspective on Life, Death, and Resurrection», *Journal of Comparative Studies of the Language and Literature of the Nation*, 4 (12), 9-26.
- 14- Masbooq, S. M., Nazari Monzam, H., & Farzbud, H. (2012). «Being Happy And Carpe Diem In Khayyam's and Tarafeh's Thoughts», *Journal of Textual Criticism of Persian Literature*, Fourth Year, 1 (13), 147-162.
- 15- Melaki, Z., Afshin, S. A., & Hosseini, F. S. (2020). «Comparison of the theory of the transcendent future with Khayyam's death thinking». *Journal of Lyrical Literature Researches*, Sistan and Baluchestan University, 18 (35), 227-244.
- 16- Yalmeha, A. & Salimi, Y. (2015). «A comparative study of the place of Khayyam Neyshabouri's social ideas in sociology (and his resemblance to Émile Durkheim)». *National Conference of the Iranian Persian Language and Literature Promotion Association*.

- 17- Yousefi, S. (2014). «Relationship between early maladaptive schemas and explanatory style (optimism-pessimism) and psychological toughness». *M.A. Thesis in Psychology*, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Valiye asr University Complex.
- 18- Yousefi, GH. (1994). «Cheshmeh Roshan (A Bright Spring), A Meeting with Poets», Tehran: Elmi Publications, Fifth Edition.

